دربارهٔ اقتصاد

لقمه نان و پنیر و پس‌انداز چند صد هزار تومنی!

حسین نامی ساعی

کلیدواژه‌ها: پول، درآمد، هزینه، تورم، اقتصاد، سرمایه، پس‌انداز

پول توجیبی و درآمد من سال گذشته روزی ۳۰۰۰ تومان بود. امسال بابام با توجه به نرخ رسمی تورم که ۲۵ درصد است، ۵ درصد هم بیشتر از تورم، جیره و مواجب مرا بالا برده است و ۳۰ درصد بیشتر از سال گذشته به من پول توجیبی می‌دهد. به عبارت دیگر:

$$۳۰۰۰+(۳۰۰۰\times٪۳۰)=۳۰۰۰+۳۰۰۰\times\frac{۳۰}{۱۰۰}=۳۰۰۰+۹۰۰$$

که می‌شود ۳۹۰۰ تومان. و برای این‌که رُند شود، به جای روزی ۳۹۰۰ تومان روزی ۴۰۰۰ تومان به من می‌دهد. موضوع این است که با وجود این افزایش ۱۰۰۰ تومانی، هرچه حساب و کتاب می‌کنم می‌بینم که پارسال با آن ۳۰۰۰ تومان دخل و خرجم میزان بود و مشکلی نداشتم، ولی اگر امسال بخواهم مثل سال گذشته خرج کنم، هشتم گرو نهم است!

به همین خاطر آمدم و از بعضی هزینه‌هایم کم کردم و شاید باورتان نشود، با این صرفه‌جویی امسال مقداری پس‌انداز هم دارم! واقعاً عجیب است. انگار بالا رفتن تورم به جای ضرر به نفع من شده است!

ازجمله کارهایی که امسال کرده‌ام، این است که برای تغذیه در مدرسه، لقمهٔ نان و پنیر از خانه می‌برم. همچنین، صبح‌ها چند دقیقه زودتر از خانه خارج می‌شوم و تا مدرسه پیاده می‌روم. با این کار هم کرایهٔ ماشین نمی‌دهم و هم پیاده‌روی و ورزش می‌کنم و بانشاط سر کلاس حاضر می‌شوم. به جای خرید کتاب‌های متفرقهٔ درسی و غیردرسی هم از کتابخانه‌های مدرسه، محله و شهر استفاده می‌کنم و کتاب امانت می‌گیرم. روزهای سه‌شنبه به سینما می‌روم که هم بلیت نیم‌بها است و هم سینما خلوت‌تر است. با پرداخت مبلغی در هر ماه عضو ثابت و دائم یک مجموعهٔ ورزشی شده‌ام و از استخر، پینگ‌پنگ، والیبال، فوتبال و امکانات دیگر آن مجموعه استفاده می‌کنم و .... خلاصه با عمل به این برنامه‌ها حداقل روزی ۲۰۰۰ تومان پس‌انداز می‌کنم که در ماه می‌شود ۶۰۰۰۰ تومان و در سال می‌شود ۷۲۰۰۰۰

تومان؛ درست است که مبلغ بالایی نیست، ولی برای من عالی است!

به کفش، لباس و جیرهٔ توجیبی‌ام، و به ماشین بابام، خانه و محل زندگی‌مان، مدرسه و دانشگاه آینده‌ام که نگاه می‌کنم، می‌بینم که انگار همهٔ این‌ها و هزاران چیز دیگر به یک کلمه ربط دارند: «پول»؛ و پول هم در دل کلمه‌ای دیگر به نام «اقتصاد» پنهان شده است. این روزها خیلی از مسائل به **پول** و **اقتصاد** ارتباط دارند.

پول و اقتصاد چیست؟

پول قطعه‌ای از فلز طلا، نقره، مس و فلزات دیگر و یا اسکناس کاغذی است که به دستور دولت با توجه به پشتوانهٔ طلا و یا فلزات گران‌بها توسط بانک مرکزی ضرب و چاپ می‌شود. پول حتماً باید پشتوانه داشته باشد و پول بدون پشتوانه هزار و یک مشکل ایجاد می‌کند.

اقتصاد در لغت یعنی میانه‌روی کردن در هر کار، در میانه راه رفتن به اندازه خرج کردن، و تعادل دخل و خرج را نگه داشتن. همچنین اقتصاد را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «دانش رسیدن به خواسته‌های خود با کمترین تلاش و هزینه.»

اقتصاد هم فردی و هم جمعی است. اقتصاد در کل جامعه به مفهوم دانش چگونگی انتخاب مردم و جامعه برای به کارگیری و استخدام منابع کمیاب به منظور تولید کالا و خدمات و توزیع آن‌ها میان افراد و گروه‌های گوناگون جامعه است و .... بگذریم!

من برای فهم بهتر اقتصاد سراغ خانوادهٔ خودمان رفتم. بابای من کارگر ساده‌ای است که بابت هر ماه کار در کارخانه ۸۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد. خودش می‌گوید که هر ماه حدود ۴۰۰ هزار تومان هم اضافه‌کار دریافت می‌کند. ۸۰۰ هزار به علاوه ۴۰۰ هزار تومان می‌شود یک میلیون و دویست هزار تومان که درآمد ماهانهٔ پدرم است.

یک میلیون و دویست هزار تومان منهای ۱۰۰ هزار تومان هزینهٔ آب، برق، تلفن و گاز می‌شود یک میلیون و صدهزار تومان. منهای دویست هزار تومان خرید ماهانهٔ مرغ و گوشت و ماهی می‌ماند ۹۰۰ هزار تومان. منهای ۱۵۰ هزار تومان خرید پوشاک، لباس و کفش برای ما چهار نفر در هر ماه می‌شود ۷۵۰ هزار تومان. منهای هر ماه حداقل سیصد هزار تومان دخل و خرج و پول توجیبی و تحصیل من و خواهرم، می‌ماند ۴۵۰ هزار تومان. حداقل ۲۵۰ هزار تومان هم بابت میوه، حبوبات، ادویه‌جات، روغن، برنج و غیره که کلاً می‌ماند ۲۰۰ هزار تومان.

یک شانسی هم که خانوادهٔ ما آورده، این است که کرایهٔ خانه نمی‌دهیم و در یک طبقه از خانهٔ پدربزرگم زندگی می‌کنیم. خلاصه این‌که اگر خیلی حساب‌شده و خوب خرج کنیم، هر ماه شاید ۲۰۰ هزار تومان از آن یک میلیون و دویست هزار تومان برایمان باقی بماند. اگر خانوادهٔ ما می‌توانست این یک میلیون و دویست هزار تومان را کنار بگذارد و همه را پس‌انداز کند، واقعاً چی می‌شد! ولی این خنده‌دار است و اصلاً امکان ندارد. همان‌طور که گفتم، خانوادهٔ ما چهار عضو دارد: خودم، خواهرم، پدر و مادرم. هزینهٔ تحصیل، خوراک، لباس، کیف و کفش من و خواهرم حداقل نیمی از درآمد پدرم را می‌گیرد. و با هزینه‌های دیگر، اگر مادرم خیلی حساب‌شده خرج کند، با حسابی که کردیم شاید ۲۰۰ هزار تومان پس‌انداز کند. البته همان‌طور که گفتم ما در خانهٔ قدیمی پدربزرگم زندگی می‌کنیم و اجاره‌ای بابت زندگی در خانهٔ پدربزرگ نمی‌دهیم، وگرنه شاید اگر تمام حقوق پدرم را هم می‌دادیم، نمی‌توانستیم یک خانه را اجاره کنیم. بله، درآمد پدرم این‌گونه هزینه می‌شود!

درآمد و هزینه چیست؟

«**درآمد**» یعنی بهره و سودی که از کار، کسب، تجارت، ملک‌داری، زراعت و غیره به دست می‌آید. درآمد باعث افزایش دارایی و سرمایه می‌شود.

«**هزینه**» سرمایه و درآمد را کاهش می‌دهد. هزینه بهایی است که بابت خرید کالا و ملزومات زندگی و یا به دست آوردن خدمات مصرف می‌شود.

هر سال قیمت‌ها به مقدار قابل توجهی بالا می‌روند که بخش زیادی از این افزایش مربوط به تورم می‌شود. اما «تورم» چیست؟

«**تورم**» در لغت یعنی ورم کردن، پر باد شدن و در اقتصاد یعنی افزایش نامنظم قیمت‌ها. در تعریفی دیگر، تورم یعنی افزایش سطح عمومی تولید پول، درآمدهای پولی و در مقابل بالا رفتن قیمت‌ها. می‌توان گفت تورم یعنی داشتن حجم زیادی از پول و اسکناس‌های بدون پشتوانه در جامعه. زمانی که نقدینگی و پول در دست مردم زیاد و در مقابل، کالا برای عرضه کم می‌شود، قیمت کالاها و نرخ تورم در کشور افزایش می‌یابد.

فرض کنید نرخ تورم امسال ۲۵ درصد است. این یعنی به صورت میانگین سطح قیمت‌ها ۲۵ درصد افزایش یافته است. برای مثال، دفترچه‌ای را که شما سال گذشته ۲۰۰۰ تومان می‌خریدید، امسال باید ۲۵۰۰ تومان بخرید:

$$۲۰۰۰+(۲۰۰۰\times\frac{۲۵}{۱۰۰})=۲۵۰۰$$

البته نمی‌توان این‌گونه تصور کرد که تمام کالاها و خدمات سال گذشته، امسال قیمتشان دقیقاً ۲۵ درصد افزایش یافته است. در اقتصاد خیلی از عامل‌ها دخالت دارند؛ مانند میزان تولید، واردات، صادرات، قیمت و میزان نفت صادراتی، تولیدات خالص و ناخالص و هزاران عامل دیگر.
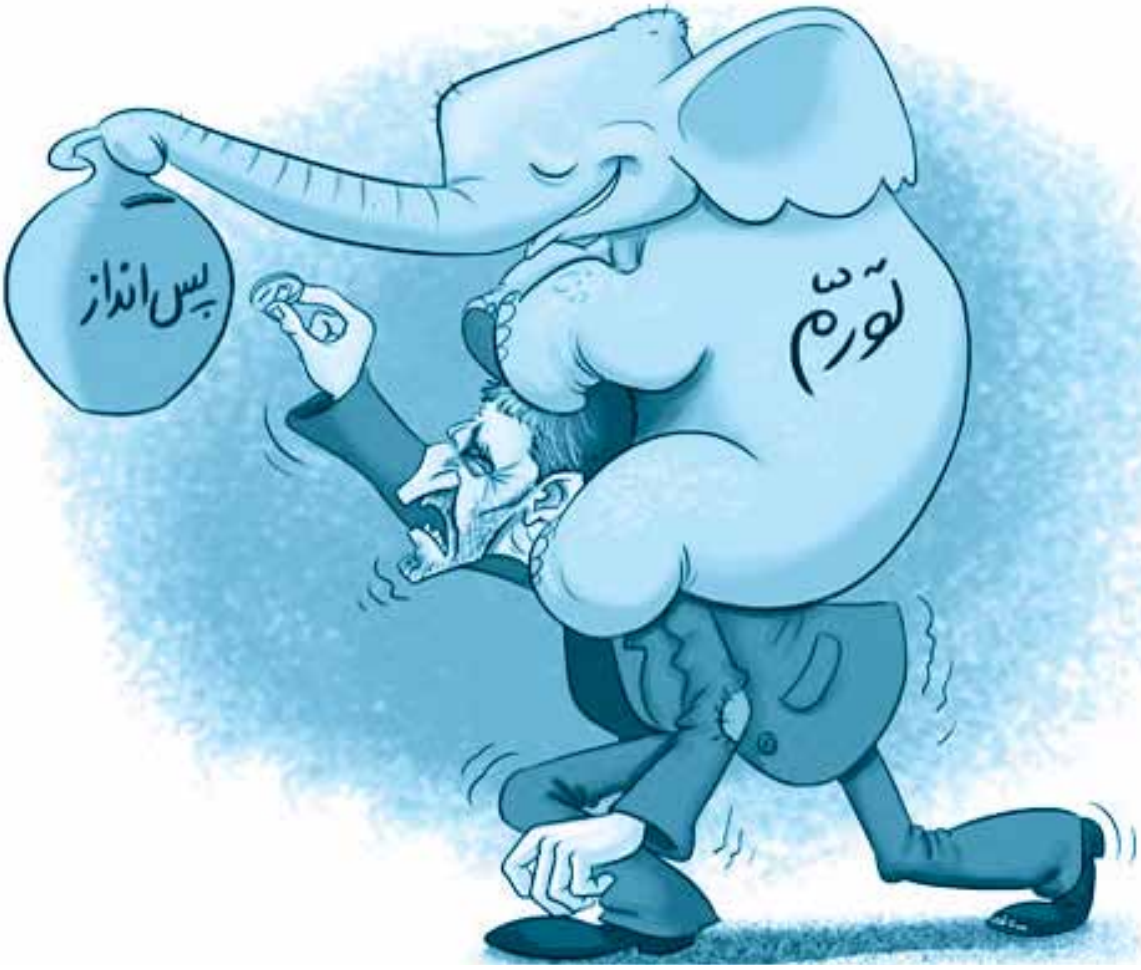
در شماره‌های بعدی مجله ضمن توضیح بیشتر این اصطلاحات به سراغ بخش‌هایی از اقتصاد که با ریاضیات ارتباط بیشتری دارند، می‌رویم.